



## تهدید هشت گانه فهرست «صدای ملت»

پیرو اعلام ۸ تهدید از سوی یکی از اعضای فهرست «صدای ملت» در خصوص انتخابات مجلس دوازدهم، یکی دیگر از نامزدهای حاضر در لیست صدای ملت نیز با امضای این تعهدات اعلام کرد. تهدیدهای هشت گانه آن را در صورت ورود به مجلس عملی خواهد کرد. عقیقه عابدی، یکی از اعضای فهرست صدای ملت در تویتر نوشت: «متأسفانه به خاطر رصالحیت‌های گسترده بخش بزرگی از شهروندان نماینده با کیفیت در انتخابات مجلس ۱۴۰۲ ندارند. برای این که در حد توانم تلاش کنم صدای بخشی از شهروندان بی‌نماینده ایران بشوم، در صورت ورود به مجلس با رأی شما ۸ تعهد می‌دهم و گزارش اقدام‌هایم در این ۸ زمینه را به‌طور منظم به شهروندان ارائه خواهم داد: ۱- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، هر سوال و مطالبه‌ای که بیش از ۱۰۰ هزار شهروند ایران در سایت کارزار امضا کنند را به شکل رسمی از وزیر به مقام مربوط بپرسم و صدایشان شوم. ۲- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، التزام عملی ایران به تعهدات معاهده محیط زیستی پاریس و نقش آفرینی مؤثرتر ایران در ائتلاف‌های جهانی صنایع از محیط زیست را با استفاده از همه اختیارات نمایندگی از مقام‌های مسئول پیگیری کنم. ۳- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، رفع فیلترینگ اینستاگرام، شبکه ایکس، یوتیوب و تلگرام را با استفاده از همه اختیارات نمایندگی پیگیری کنم. ۴- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، منع قانونی بر خورد انتظامی، جرم‌شهرت‌اندازی، توقیف خودرو و جرم‌وکیل‌کسب و کارها در هر موضوع مرتبط با پوشش شهروندان را با استفاده از همه اختیارات نمایندگی پیگیری کنم. ۵- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، اصلاحات قانونی برای کاهش حداکثر دوره بازداشت موقت (به ۲۸ ساعت)، ممنوعیت بازداشت‌زندانانفرادی، برچیدن استفاده از پابند و چشم‌بند برای زندانیان و جرم‌انگاری تقیض خودریدون مجوز قضایی را پیشنهاد و پیگیری کنم. ۶- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، از شفافیت آراء نمایندگان در صحن و کمیسیون‌ها و الزام پخش زنده همه جلسات مجلس و کمیسیون تلفیق بودجه از طریق تاسیس شبکه تلویزیونی و رادیویی جدید مجلس در صداوسیما حمایت کنم. ۷- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، با استفاده از همه اختیارات نمایندگی برای رفع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تلاش کنم. ۸- متعهد می‌شوم در صورت ورود به مجلس با رأی شما، با استفاده از همه اختیارات نمایندگی برای افزایش سهم آموزش عمومی و سلامت عمومی از بودجه و ارتقای کیفیت خدمات همگانی سلامت و آموزش تلاش کنم. از سایر نامزدهای انتخابات هم دعوت می‌کنم در صورت موافقت با تعهدات هشت گانه بالا، قبل از انتخابات این تعهدشان را عمومی اعلام کنند.»



## قالیباف مورد توافق همه بود

غلامعلی حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب در نشست خبری با بیان اینکه قالیباف در لیست نهایی، مورد توافق همه بود، اظهار کرد: «خط قرمز ما برای انتخاب کاندیداها، مخالف دولت نبودن است، چون دولت آقای رئیسی را از خردمان می‌دانیم و حمایت از دولت را وظیفه خود می‌دانیم.» رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب افزود: «ما مجلسی نمی‌خواهیم که نقطه مقابل دولت باشد بلکه باید مددکار دولت باشد.» وی در پاسخ به بستن لیستی بر اساس نسبت‌های خوشاوندی و سیاسی گفت: «در میان اعضای لیست افرادی که بدون نسبت فامیلی و خوشاوندی در فهرست قرار گرفته باشند هم هستند. این از عجایب روزگار است که هرکسی اگر یک فامیل یا آشنایی در یک جایی یا منصبی از نظام دارد، همین یک ملرک جرم شده است و دیگر نباید به آن فرد میدان داده شود. این شیوه خوبی نیست که بگردیم و نسبت‌ها را پیدا کنیم و هرکسی را به یک مقام یا شخصیتی بچسبانیم و مانع فرصت دادن به افراد شویم.»

دولت می‌رسد، همین مرحله است. نکته دیگری که باید گفت این است که نباید جامعه را دست کم گرفت، من معتقدم که جامعه ایران به این سادگی قابل تسخیر از طریق خالص سازی نیست زیرا جامعه درون رده‌های مختلف سیستم چکه کرده است. یک گروه‌هایی را نشان می‌دهید که در بالا نشسته و مدام خالص سازی می‌کنند اما جامعه در برابر آن بی تفاوت نیست.

**چند روز پیش، دکتر سروش در یکی از درس گفتارهای شان به نکاتی در باره انتخابات اشاره کردند. ایشان گفته‌اند وضعیتی که الان دچار آن هستیم و این حاشیه‌هایی که در باره بیانیه روزنه‌گشایی ایجاد شده، نوعی آنتی‌نومی است که هم مدافعان و هم منتقدان این بیانیه در باره مواضع شان حق دارند و به همین علت نمی‌توان به درستی تحلیل کرد. این مسئله را قبول دارید؟ اگر بله، برای خروج از این وضعیت، چه باید کرد؟ آیا خروج از این آنتی نومی ممکن است؟ اگر هم خیر دلایل عدم حضور در آنتی نومی چیست؟**

آنتی نومی‌های کانت در ارتباط با دلایل وجود خدا و دلایل عدم وجود خداست. کانت به این نتیجه می‌رسد که اینها قضایای جدلی‌الطرفین شده است، یعنی من استدلال می‌کنم یک نتیجه می‌گیرم، شما استدلال می‌کنید نتیجه خودتان را می‌گیرید. کانت آمد و گفت اینها قضایای جدلی‌الطرفین است، ما باید اینها را کنار بگذاریم به دنبال چیز دیگری بگردیم. در همین راستا خود کانت به تجربه رسید. بله من با بحث دکتر سروش موافق هستم، الان شهروندان از بسیاری از استدلال‌های ما عبور کرده‌اند. بسیاری از نخبگان از کل جامعه عقب‌تر هستند. یعنی کل جامعه به یک شعور و آگاهی اجتماعی رسیده که خودش می‌تواند تحلیل و استنباط کند. یعنی به نوعی جامعه‌ای که ۱۴ میلیون تحصیل کرده دارد، یعنی به یک بلوغ و رشد بی‌ بازگشت رسیده است. بله، دیدگاه‌هایی در اصلاح طلبان می‌گویند امروز انتخابات برای جامعه از حیز انتفاع خارج است، تحریم نمی‌کنند اما لیست هم نمی‌دهند، در واقع به‌طور ضمنی از انتخابات کناره گیری می‌کنند. ولی یک تعدادی از اصلاح طلبان به فکر روزنه‌گشایی هستند و می‌گویند حتی از همین انتخابات هم می‌شود به نفع جامعه استفاده کرد. این اختلافی که وجود دارد، اختلاف اصولی و اختلاف در مبانی نیست، اختلاف مصداقی و تحلیلی است. دکتر سروش می‌گوید وقتی حجاب‌های می‌گوید انتخابات فایده ندارد اما آقای جلالی‌پور می‌گوید فایده دارد، هر دو برای خود استدلال و شواهدی دارند. مردم نمی‌توانند منتظر این بیگومگو باشند. مردم به بلوغ اجتماعی و عقل تاریخی خود می‌گردند و بر اساس تجربه‌ها عمل می‌کنند. مخاطب این بیانیه‌البت است، اینها تحلیل‌های اجتماعی است که می‌تواند برای آینده مفید باشد. تحلیل‌ها به‌نوعی در حافظه نخبگانی می‌ماند و می‌تواند در آینده دانش ملی شود. غلامحسین صدیقی، یک عضو برجسته جبهه ملی بود و در دوره دکتر مصدق دو وزارت را برعهده داشت و پایه گذار جامعه‌شناسی ایران است. او در سال ۵۶ معتقد بود که انقلاب نتیجه مفیدی برای جامعه نخواهد داشت و سعی می‌کرد از طریق سیستم گفت‌وگو با شاه روزنه‌ای بگشاید و از به هم ریختن نهادها پیشگیری کند. آن موقع چه کسی او را قبول کرد؟ حتی در جبهه ملی بایکوت شد. آن دوره خود ما اصلاً توجهی به او نداشتیم. بعدها از طریق مطالعه به دیدگاه او رسیدیم. منظور دکتر سروش این نیست که این مباحث فایده ندارد، منظورش این است که جامعه به تجربه خودش برمی‌گردد و مقایسه و ارزیابی می‌کند. متنی که منتشر شده، فتوایی نیست که راه حل دهد، متن تحلیلی است.



ماست، ایشان بیانیه را نقد کرده و نقد ایشان بسیار برای من بالارزش است. عذرخواهی می‌کنم که این را می‌گویم، من حدود ۲۰ کتاب دارم، چهل سال که معلم هستم. من به دانشجو می‌گویم اگر شما در کلاس من را نقد نکنید، صحبت‌هایم مشروعیت ندارد. من در نقد کتاب‌ها می‌گویم معنا در غیاب مؤلف است. این بیانیه باید خوانده، نقد، تحلیل و شالوده‌گشایی شود. آقای عبدی، آقای آرمین و سایر دوستان باید نقد کنند. یکی از دانشجویها به من می‌گفت فلائی! دیده‌ای درباره کنش‌گری مرزی در تویتر چه نوشته‌اند؟ من چون اهل فضای مجازی نیستم، این مسائل را دنبال نمی‌کنم. گفتند یک نفر در تویتر نوشته است که فراس‌تخواه با امضای این بیانیه، برکه کنش‌گری مرزی را در فنجان کوچکی ریخت. من خیلی از این نقد خوشم آمد. من البته قائل هستم که این بیانیه کنش مرزی است، ما از کنش مرزی یک چیزی می‌سازیم و آن را در چهره‌های خاصی فیکس می‌کنیم. من اعتقاد دارم کنش‌گر مرزی به مفهوم یک طیف است. مادر ایران کارشناسان گمنامی داریم که کنش‌گر مرزی بوده‌اند. ما در ایران نخبگان قدری داشتیم که برخی از آنها کنش‌گر مرزی هستند. کنش‌گر مرزی در ایران هزینه تغییرات را کاسته است. این کنش‌گر مرزی ایران را از برخی انسدادها و فریوسنگی‌ها گذرانده است. این کنش‌گر مرزی یک کنشی بود که از ابتکارات عقلانیت ایرانی درآمده است. از هوشمندی کنش‌گران ایرانی است که هرگز مایوس نشده‌اند و سعی کرده‌اند در بدترین شرایط درباره حقوق این سرزمین کار کنند. همیشه شرایط کنش‌گری مرزی وجود دارد. اگر یک شهروند و فردی می‌تواند با نمایندگی بخشی از انحصارات را محدود کند، برای حق و حقوق مردم در مجلس بحث کند، در پای طرح‌ها و لوایح که بر خلاف حق و حقوق بشری این شهروندان است، بایستد، مگر دکتر محمود صادقی که بود؟ ایشان که از آسمان نیفتاده بود، از دل انتخابات بیرون آمد و یک جاهایی ایستاد و از حقوق مردم دفاع کرد. ما متأسفانه ایران را یک سازه موقت تلقی می‌کنیم که کلنگی است که آن را می‌ریزیم و دوباره می‌سازیم، اینکه توسعه نمی‌شود. اینکه ما به هم بریزیم و دوباره بسازیم که همان سال ۵۷ می‌شود. ببینید، دولت بزرگ و جامعه کوچک است، جامعه ما هنوز نهادهای کافی ندارد، سازمان‌یابی اجتماعی در ایران ضعیف است اما در مقابل دولت بزرگ است. جامعه باید خودش را از طریق سازمان‌یابی اجتماعی بزرگ کرده و با دولت بازی کارآمد کند. اگر از طریق انتخابات، بخشی از دولت در حوزه نفوذ جامعه قرار بگیرد، باید از آن استقبال کرد.

**در بخش اول حرف‌هایتان اشاره‌ای به بحث خالص سازی داشتید. موضوعی که چند ماهی است در فضای سیاسی کشور شنیده می‌شود. چندی پیش سعید حجاریان یادداشتی در باره خالص سازی نوشت و اشاره کرد که پیش از خالص سازی مرحله مخلص سازی بوده که انجام شده است و مرحله بعد از خالص سازی، به خلاص سازی منجر خواهد شد. آیا می‌توان گفت که کنش‌گری مرزی تلاشی برای جلوگیری از خلاص سازی است؟**

در ابتدا بگویم که آقای حجاریان در تحلیل مسائل سیاسی خبرگی دارد و به اندازه کافی در ارتباط با جامعه هزینه داده است. اگر ما بر اساس مدل ایشان بحث کنیم، بله می‌توان گفت که کنش‌گری مرزی تلاش برای پیش‌گیری از خلاص‌سازی است. اما نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که سیستم ایران، یک سیستم غیربیت‌ساز است، سیستمی است که دیگری می‌سازد. ما به شکل‌های مختلف غیر می‌سازیم، این دیگری دشمن، وابسته به دشمن، منحرف است و برای بیگانگان کار می‌کند. این آمده و تمام سیستم‌های ما را فرا گرفته است. مدرسه ما هم غیربیت‌ساز است، هر کسی نمی‌تواند در جامعه ما از مزایای آموختن برخوردار شود. در دانشگاه ما غیربیت‌سازی وجود دارد، هر کسی نمی‌تواند عضو هیئت علمی دانشگاه شود، زیرا استقلال فکر دارد. اما از آن طرف می‌شود ۱۵ هزار نفر از افله‌ای استفاده کرد. در مقابل افرادی که می‌خواهند خالص‌سازی و یا خلاص‌سازی کنند، تنها راه این است که موازنه خلاق‌تری با دولت ایجاد کنیم. شکاف ملت - دولت بار کچی است که با آن به منزل نخواهیم رسید. این شکاف باید برطرف شود. برای رفع این شکاف اگر فرض این است که سازه موقت است و باید کارهایی کنیم که از دستش رها شویم، این را مطالعات جهانی هم نمی‌توانند به سادگی توضیح دهند. می‌گویند شما خیلی سازه را موقت تلقی می‌کنید. این سازه برای خودش یک پایداری‌هایی دارد، یک گروه‌های همسود دارد. گروه‌هایی دارد که از طریق این ساختار زندگی می‌کنند. برای اینکه با فکر آن گذار مسئله را حل نکنیم، راهی که باقی می‌ماند اصلاح و چکه کردن درون سیستم و حرکت معکوس خالص‌سازی است. حرکت معکوس خالص‌سازی یعنی امکان‌سازی برای جامعه که بتواند درون سیستم به شکل‌های مختلف چکه کنند. این موضوع فقط از طریق انتخاب نماینده هم نیست، یک دانشجو که درس می‌خواند و با فکر متفاوت درون



**آقای حجاریان در تحلیل مسائل سیاسی خبرگی دارد و به اندازه کافی هزینه داده است. اگر ما بر اساس مدل ایشان بحث کنیم، بله می‌توان گفت که کنش‌گری مرزی تلاش برای پیش‌گیری از خلاص‌سازی است.**



که انتخابات بی‌خاصیت است و شما نباید رای دهید. مجلس نهادی است که از مشروطه در ایران به وجود آمده، ما این نهاد را می‌خواهیم به سادگی کنار بگذاریم؟ نهادها مهم هستند، نباید نهاد را از بین برد. ما می‌توانیم نقد و بحث کنیم اما اگر کسی امکان دارد که بتواند از طریق رای اعتراض مثبت کند و یک فرصت ایجاد کند، چرا رای ندهد. خود من هنوز نمی‌دانم افرادی که در تهران کاندیدا شدند چه برنامه‌ای دارند. اما اگر به نتیجه رسیدیم که یک فرد یا افرادی می‌توانند به این تهران و ایران کمک کنند، رای خواهیم داد. اگر دیدیم که مثلاً شما می‌خواهید انتخاب شوید، برنامه‌ها و عملکرد قبلی شما را می‌شناسم و برنامه‌هایتان هم طوری است که می‌توانید در مجلس اقلیت با کیفیت را تشکیل دهید، می‌توانید نطق پیش از دستور مهمی را داشته باشید، می‌توانید از حقوق اجتماعی و شهروندان دفاع کنید. پس من اعتراض می‌کنم و اعتراض مثبت من این است که به شماری می‌دهم تا در برابر آن یکی که نمی‌خواهد حقوق مردم را تأمین کند، برنده شوید. اما وجه کار بردی این بیانیه چیست؟ کاربرد این بیانیه عقلانیت محدود است. هربرت سایمون درباره عقلانیت محدود می‌گوید که ما تمام اطلاعات را داریم، محاسبه می‌کنیم و به‌طور عقلانی تصمیم می‌گیریم. سایمون می‌گوید عقلانیت نامحدود نداریم و چیزی که در عالم وجود دارد، عقلانیت محدود است. ما اطلاعات محدود و گزینه‌های محدود داریم، ما میان گزینه‌های محدود دست به انتخاب می‌زنیم و اطلاعات کاملی هم نداریم و با اطلاعات محدود انتخاب می‌کنیم. وجه کار بردی این متن پذیرش عقلانیت محدود است و مقداری به منطق رئال جامعه نزدیک شده است. در ایران یک خصیصه اعتراضی وجود دارد و من این خصیصه را دوست دارم و درباره آن مطالعه کرده‌ام. اساساً در ایران یک ناراضیاتی تاریخی وجود دارد، خیام، حافظ و ابوریحان بیرونی یک ناراضی هستند. فردوسی یک ناراضی بود که شاهنامه ساخت و گفت: «بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی». فردوسی ناراضی است که چرا زبانش در حال از بین رفتن است. در فرهنگ ایران خصیصه اعتراضی وجود دارد اما ایران یک ویژگی ژانوسی (دوسویه) دارد و یک سویه نیست. ایران همین طور که در فرهنگ خود خصیصه اعتراضی دارد، اما دانش ضمنی تاریخی دارد که می‌خواهد با سازگاری زندگی کند. این خیلی عجیب است، در ایران یک خرد تاریخی وجود دارد. در ایران یک عقل عملی داریم که سعی دارد واقعیت‌ها را در نظر بگیرد. شما نگاه کنید ببینید ایرانی‌ها با اعراب چه کار کردند. اعراب حمله کردند و کل ایران را تسخیر کردند، در بخش‌هایی از خوارزم اسناد مهمی را نابود کردند، می‌دانیم که وقتی حمله کردند، قتل و نجات به مردم ایران و ایرانی‌ها ندادند اما ایرانی‌ها چه کردند؟ دهقانان، متفکران و شاعران ایرانی اطراف دستگاه خلافت رفتند و از درون سیستم خلافت عرب توانستند وزارت ایرانی ایجاد کنند، توانستند شاهنامه بسازند، توانستند بیت‌الحکمه را تاسیس کنند، نهضت ترجمه راه انداختند و توانستند دوباره فرهنگ و ادبیات ایرانی را زنده کنند. من در کتاب کنش‌گران مرزی توضیح داده‌ام که در تبار تاریخی کنش‌گران مرزی، چهره‌های ایرانی مانند «ابن مقفع» چه کار کرده‌اند. ایرانی‌ها دارای خرد تاریخی هستند که با سازگاری مسیر تاریخ خود را پیش می‌برند. سعی می‌کنند در میان بن‌بست‌ها روزنه‌گشایی کنند. سعی می‌کنند در وضعیت انسداد، افق‌های تازه پیدا کنند، سعی دارند امکان‌هایی را کشف کنند. به نظر من این حکم زندگی در ایران است و این بیانیه با حکمت زندگی در ایران همخوانی دارد. البته شما شاید بگویید مردم چرا با این بیانیه همراهی نکرده‌اند. این عقل تاریخی همیشه به شکل صریح ظاهر نمی‌شود، در بخش‌هایی از جامعه در کنون است و در حافظه می‌ماند. ممکن است در آینده مردم از این حافظه‌شان استفاده کنند، این در حافظه ذخیره خواهد شد. در عین حال که من اصرار ندارم، افرادی که این بیانیه را قبول ندارند، کلاً به بیراهه می‌روند. آنها هم یک اجتهاد و تحلیل است، افرادی مانند آقایان مصطفی تاج‌زاده، سعید مدنی، سعید حجاریان، محسن آرمین و عباس عبدی را در این زمینه مجتهد می‌دانم و چقدر سخت است که این روزها می‌بینم افرادی مانند تاج‌زاده و مدنی به جای اینکه مشغول پژوهش و کار در حوزه جامعه و سیاست باشند، در زندان هستند. ببینید اختلاف نظر وجود دارد، اما در نهایت شهروندان به دیدگاه‌ها، تجربه و تحلیل خود بر خواهند گشت. شهروندان ایرانی منتظر نیستند تا ببینند که بنده یا افرادی که این بیانیه را امضا کرده‌اند و یا افرادی که منتقد آن هستند، می‌گویند که چه کار کنند. ما باید محبت و همدلی و همبستگی اجتماعی را مهم بدانیم، ضمن همبستگی اجتماعی، در یک فضای آزادمنشانه با نجابت گفت‌وگو کنیم و سعی کنیم در گفت‌وگو جدی باشیم. یعنی شما تمام مبانی من را زیر سوال ببرید، شواهد من را مخدوش اعلام کنید. جناب آقای عبدی، از تحلیل‌گران بسیار خوب جامعه